



بام خدوئد جا، لفرين حكيم بخشيم رزبا، لفرين

دوستان گرامی به کنفرانس انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان خوش آمدید!، سپاس بی پایان از حضور شما .

از دید و باز دید حضوری با اعضای انجمن ، مهمانان گرامی و بخصوص دیداریک عده یاران قدیم برایم یک احساس خوشی بی نظیر دست داده است. به زبان جوانان بطری های وجودم چارچ شده میروود. سلام احترام و محبت خود را حضور شما ، بینندگان و شنوندگان تقدیم میکنم.

در جلسه هیات اجراییه انجمن که من افتخار عضویت انرا دارم فیصله نمودیم تا صحبت های ما مختصر باشد و بهتر است تا نظریات دیگران را بشنویم.

با اجازه شما ارزو دارم در باره یک موضوع نهایت مبرم روز ((بحران حقوق بین الملل)) منحیث شاگرد حقوق و به اساس تجربه تقریبی چهل سال دیپلوماسی دروزارت خارجه وطن عزیزم نظریات خود را با شما شریک بسازم.

حاضرین گرامی، در باره بحران حقوق بین المللی چند صفحه نوشته دارم که خوانش ان وقت زیاد بکار دارد. اما با ملاحظه دستور رهبری ، با نظر داشت وقت طور خلاصه نکات مهم و برجسته انرا بیان و برای اشخاصی که ارزو و حوصله مطالعه همه نوشته را داشته باشد ، انرا در صفحه الکترونیکی انجمن جهت مطالعه تقدیم می دارم..

بحران حقوق بین الملل:

حقوق بین الملل مجموعه ای از قواعد و اصولی است که روابط میان دولت ها و سایر بازیگران جهانی را تنظیم می کند. بعد از ختم جنگ جهانی دوم نورمهای قبول شده نقش مهمی در حفظ نظم و ثبات جهانی داشته است. این نظام عمدتاً در چارچوب سازمان ملل متحد شکل گرفت و بر اصولی مانند حاکمیت دولت ها، منع توسل به زور و حل مسالمت آمیز اختلافات استوار بود.

بحران حقوق بین‌المللی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن قواعد و اصول حقوقی میان کشورها هنوز وجود دارد، اما اجرای آن‌ها ضعیف، ناقص یا سیاسی شده است.

از مدتی به اینطرف وضعیت فعلی جهان ما طوریکه با وجود موجودیت اسناد قبول شده از طرف کشورها تطبیق نورمهای بین‌المللی قبول شده از طرف بعضی‌ها بکلی پامال گردیده است. در چنین شرایطی، احتمال بازگشت به «قانون جنگل» (حاکمیت قدرت) افزایش یافته است.

حق زور است و یا زور حق است؟

امروز قدرتهای بزرگ در عمل نشان دادند که خود را از حقوق بین‌الملل بالاتر می‌بینند یعنی از زور استفاده مینمایند.

جنگ اوکراین، جنگ غزه، جنگ لبنان، جنگ ایران و مهمتر از همه برای ما و شما تجاوز نظامیان پاکستانی بالای کشور ما مثالهای برجسته از بحران حقوق بین‌الملل است.

عوامل این بحران از نگاه تطبیق اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، کاهش اعتماد کشورها به این نورمها و تا اندازه ناتوانی نهاد های بین‌المللی است

اینکه قدرت های بزرگ حقوق بین‌الملل را تحت سلطه خود درآورده یا به عباره دیگر تفسیر سیاسی میکنند باعث کاهش اعتماد و تضعیف نهاد های بین‌المللی و نا مساعد شده زمینه همکاری بین‌المللی شده است.

بر اساس بررسی عوامل فوق، می‌توان نتیجه گرفت که بحران حقوق بین‌الملل واقعی و چند بُعدی است. این بحران نه تنها ناشی از ضعف قواعد، بلکه بیشتر ناشی از عدم پایداری دولت‌ها و ساختار نابرابر نظام بین‌الملل است. به عبارت دیگر، مشکل اصلی در (اجرای حقوق) است، نه در (وجود حقوق).

اینده حقوق بین‌الملل را چطور پیش بینی میکنیم و برای بیرون رفت از این حالت بحران چه اقداماتی ضروری است:

➤ اصلاح ساختار های نهاد های بین‌المللی ، بصورت خاص حق ویتو..... شورای امنیت سازمان

ملل متحد به دلیل حق وتو اغلب دچار بن‌بست می‌شود

➤ تقویت زمینه اجرای قواعد، تصامیم محاکم بین‌المللی فاقد ضمانت اجرایی قوی است. این

محاکم با عدم همکاری برخی کشورها مواجه است. برخلاف حقوق داخلی، در حقوق بین‌الملل

پلیس یا قدرت اجرایی جهانی وجود ندارد

➤ افزایش شفافیت و عدالت در اجرای قواعد ،

➤ مطالعه و میسر ساختن زمینه توسعه حقوق بین‌الملل شامل حوزه های جدید .

تحولات جدید جهانی مانند جنگ‌های سایبری، هوش مصنوعی، تغییرات اقلیمی چالش‌هایی ایجاد کرده‌اند که حقوق بین‌الملل هنوز پاسخ مناسبی برای آن‌ها ارائه نکرده است. این امر نشان‌دهنده عقب‌ماندگی نسبی این نظام از تحولات جهانی است.

حل این بحران مستلزم بازنگری در ساختارها، تقویت همکاری بین‌المللی و ایجاد توازن میان قدرت و قانون است. در غیر این صورت، جهان با افزایش بی‌نظمی و بی‌ثباتی روبه‌رو خواهد شد.

نظم قدیمی در حال فروپاشی است
نظم جدید هنوز شکل نگرفته است
قدرت یابی چین ، بازگشت روسیه
ظهور قدرت‌های منطقه‌ای (هند، ترکیه و ...)

در نهایت، می‌توان گفت حقوق بین‌الملل به‌جای یک نظام بی‌طرف، به ابزار سیاسی تبدیل شده و بحران آن نشانه‌ای از تحول عمیق در نظام جهانی است. اگرچه این نظام با چالش‌های جدی مواجه است، اما همچنان به‌عنوان یک ضرورت برای حفظ نظم و ثبات جهانی باقی خواهد ماند.

بحران حقوق بین‌المللی به معنای نابودی آن نیست موجودیت و تطبیق آن همچنان یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای نظم جهانی است، اما بقای آن مستلزم بازسازی اعتماد و تقویت همکاری میان دولت‌ها خواهد بود.

ختم